



نقش هوش موسیقایی بر کیفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) دانش آموزان دوره ابتدایی مدارس شهرستان زاهدان

رویا سردار شهرکی^۱، محسن شمسی گوشکی^۲، سیده زهرا احمدی^۳، زینب بزی^۴

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

۲- استادیار گروه ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

چکیده

هدف کلی از پژوهش حاضر، تعیین تاثیر هوش موسیقایی بر کیفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) دانش آموزان دوره ابتدایی مدارس شهرستان زاهدان در سال ۱۴۰۰ بود. پژوهش حاضر، از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه آزمایش و کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پایه پنجم مدارس ابتدایی شهرستان زاهدان شهرستان زاهدان بود. روش نمونه گیری در این پژوهش از نوع در دسترس بود، به این صورت که از بین مدارس ابتدایی شهرستان زاهدان، یک مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شد؛ این مدرسه ۲ کلاس اول داشت که به صورت تصادفی به دو گروه ۲۰ نفری آزمایش و کنترل تقسیم گردیدند. ابزار گردآوری در پژوهش حاضر پکیج آموزشی هوش موسیقایی و پرسشنامه های محقق ساخته کیفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) بود. روایی مورد تایید اساتید و متخصصان قرار گرفت. پایایی پرسشنامه ها در سطح مطلوبی بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است. نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که متغیر هوش موسیقایی باعث شده که کیفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) دانش آموزان دوره ابتدایی مدارس شهرستان زاهدان در گروه آزمایش در مرحله پس آزمون در قیاس با گروه کنترل افزایش پیدا کند.

کلید واژه ها: هوش موسیقایی، هوش، کیفیت یادگیری، پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان



مقدمه :

امروزه مهمترین دغدغه نظام آموزشی و پرورش یک کشور ایجاد بستری مناسب جهت رشد سرمایه‌های فکری در جامعه است. برای آنکه همه گروه‌های اجتماعی در جهت رشد حرکت کنند، باید یادگیری پیوسته، خالقیت، نوآوری و نیز مشارکت فعال و سازنده اجتماعی را بیاموزند. تحقق این امر مستلزم تعریف مجدد و نوینی از نقش و کارکرد مدارس به عنوان اصلیت‌ترین نهادهای آموزشی در جامعه است. امروزه نظام آموزشی کشور به مدرسهای نیاز دارد که با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات، امکان یادگیری پیوسته را فراهم نموده و فرصتهای جدیدی را در اختیار افراد برای تجربی زندگی در جامعه اطلاعاتی قرار دهد، به گونهای که این فناوری نه به عنوان ابزار، بلکه در قالب زیر ساخت توانمندساز برای تعلیم و آموزش حرفهای محسوب شود. (حسن زاده دیزجی و حسن زاده دیزجی، ۱۳۹۷).

امروزه، تقریباً تمام کسانی که به دنبال توسعه و اصلاحات هستند در همه جای دنیا از آموزش و پرورش شروع میکنند. در جهان امروز آموزش و پرورش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تحولات روزافزون سبب جلب توجه بیشتر به مسئله آموزش و پرورش شده است. آموزش و پرورش یکی از نیازهای اجتناب ناپذیر انسان بشمار میرود. آموزش و افزایش مهارتها، به ابزاری اساسی برای رویارویی با مسائل جهان پیچیده و متحول امروزی تبدیل شده است. آموزش و به ویژه، آموزش و پرورش که به تربیت نسلهای جدید می پردازد، از ابتدایی ترین ضرورت‌های یک جامعه متمدن است (صیدانلو و باقر پور، ۱۳۹۶).

اهمیت آموزش و پرورش در دوره ابتدایی را از دوجنبه حساسیت و سهولت اثر پذیری دانش آموزان از محیط های آموزشی و دوام و عمق یادگیری آن ها به این دوره می توان مورد بررسی قرار داد. نظام و روش های آموزشی باید به گونه ای طراحی و برنامه ریزی شوند که با توجه به سطح توانایی ها و قابلیت های افراد در اختیار مخاطبانش قرار گیرد و نه تنها موانع درونی و بیرونی موجود در روند یادگیری را برطرف سازد بلکه آموزش را با توجه به توانایی های مخاطبان مناسب سازی نماید (عباسی و همکاران، ۱۳۹۸). آموزش کماکان یکی از حقوق لاینفک انسان محسوب می شود، امروزه حرکت کیفی به سمت آموزش های بهینه و کار آمد در نظام های تربیتی امری بدیهی به شمار می رود و پیشرفت و توسعه نیازمند تغییر و تحول است و تغییر و تحول مستلزم تغییر نگرش و استفاده از رویکرد های جدید آموزشی و تربیتی در فرآیند یاددهی و یادگیری است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۸).

موسیقی کودکان از حد یک سرگرمی یا هیجان فراتر رفته به طوری که تاثیرات شناختی آن در افزایش توان ذهنی، تمرکز، مهارت حرکتی و هماهنگی حواس از هر چیز دیگری قویتر است. کودکان آشنا به موسیقی هوشیارتر و دقیقتر به محرکهای شنوایی پاسخ میدهند.



بیان مساله

منظور از پیشرفت تحصیلی، موفقیت در امر تحصیل است که می تواند به مهارت در امری خاص یا تخصص در بخشی از دانش منجر شود (غلامعلی لواسانی و همکاران، ۱۳۹۰).

پیشرفت تحصیلی یا موفقیت تحصیلی، معلومات یا مهارت های اکتسابی عمومی یا خصوصی در موضوعات درسی است که معمولاً به وسیله آزمایش ها و نشانه ها یا هر دو که معلمان برای دانش آموزان وضع می کنند، اندازه گیری می شود (شعاری نژاد، ۱۳۶۴).

پیشرفت تحصیلی عبارت است از: محصول نهایی فرایند یادگیری فعال که با کمک آموزش فعالیت های تربیتی انجام می گیرد. همچنین، سرعتی که دانش آموز در تکمیل پایه ها و درجات گوناگون دارد و بر حسب مقدارش، پیش افتادگی و سرعت یا عقب ماندگی وی اندازه گیری می شود (بیابانگرد، به نقل از مرادی، ۱۳۹۱).

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از شاخص های مهم در ارزشیابی آموزش و پرورش است و تمام کوشش ها در این نظام در واقع تلاش برای جامه عمل پوشاندن به این امر تلقی می شود. به طور اعم کل جامعه و به طور اخص نظام آموزش و پرورش نسبت به سرنوشت کودکان، رشد و تکامل موفقیت آمیز آنان و جایگاه آنها در جامعه علاقه مند و نگران است و انتظار دارد دانش آموزان در جوانب گوناگون، اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی ها و نیز در ابعاد عاطفی و شخصیتی، آنچنان که باید پیشرفت و تعالی یابند (پورشافعی، به نقل از مرادی، ۱۳۹۱).

از موفقیت یا پیشرفت تحصیلی تعاریف دیگری وجود دارد. پیشرفت تحصیلی عبارت است از موفقیت دانش آموزان در یک یا چند موضوع درسی مثل درک، فهم، خواندن یا محاسبه عددی. چنین پیشرفت هایی توسط آزمون های میزان شده تحصیلی اندازه گیری می شود. همچنین، این اصطلاح بر پیشرفت فرد در کلاس، آن طور که در کار مدرسه ارزیابی می شود، دلالت دارد. در تعریفی دیگر، پیشرفت تحصیلی به جلوه ای (نمایی) از جایگاه تحصیلی دانش آموزان اشاره دارد که این جلوه ممکن است بیانگر نمره ای برای یک دوره، میانگین نمرات در دوره ای مربوط به یک موضوع یا میانگین نمرات دوره های مختلف باشد. برای پیشرفت تحصیلی میتوان مالک های گوناگون در نظر گرفت که مشهورترین آنها میانگین نمرات کل می باشد. علاوه بر این تعاریف، از پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از شاخص های پیشرفت در نظام آموزش و پرورش و مفهوم انجام تکالیف و موفقیت دانش آموزان در گذراندن دروس یک پایه تحصیلی مشخص یا موفقیت دانش آموزان در امر یادگیری مطالب درسی استفاده می شود. وجه مخالف آن افت تحصیلی است که یکی از معضلات نظام آموزشی می باشد که به شیوه



های گوناگون همچون عدم موفقیت دانش آموزان در دستیابی به هدف های مقاطع تحصیلی مربوطه، مردودی و تکرار پایه های تحصیلی، ترک تحصیل زودرس، بیکاری و بلا تکلیفی خود را نشان می دهد. به طور خلاصه، نیل به اهداف آموزشی را به اصطلاح پیشرفت تحصیلی بیان می کنند (به نقل از مرادی، ۱۳۹۱).

در مورد معیارهای پیشرفت تحصیلی می توان گفت که پیشرفت یا موفقیت تحصیلی از راه های مختلف و با معیارهای متفاوت مشخص می شود. یکی از این معیارها، معدل دانش آموزان در یک نیم سال تحصیلی و محاسبه معدل یک سال وی است. معیار دیگر مشخص کردن پیشرفت تحصیلی، محاسبه نمرات دانش آموزان در یک درس است. شیوه دیگر، استفاده از مجموعه نمرات دروس یک سال می باشد و معیار آخر تعیین پیشرفت تحصیلی در طی چند سال و یا یک دوره تحصیلی است. اگر یک نمره از یک دوره تحصیلی یا میانگین از یک گروه از دروس مختلف در حیطه موضوعی خاص یا میانگینی از دوره های مختلف تحصیلی، مالکی برای پیشرفت تحصیلی باشند، این مالک ها مسایل و مشکلات تشخیصی را به دنبال خواهد داشت؛ مثال کاربرد یک نمره واحد از یک دوره تحصیلی ویژه دارای روایی و پایایی کم تری است تا نمره ای که بر اساس ترکیب چند نمره به دست می آید. کاربرد نمره های به دست آمده از دوره های مختلف تحصیلی در موضوعات مختلف نیز به منظور به دست آوردن معدل نمرات کلاس مسأله ای دشوار و غامض است، زیرا این گونه نمرات شامل نمراتی است که از دوره ها و رشته های تحصیلی متفاوت به دست آمده اند و در یک مقیاس واحد ترکیب شده اند، در صورتی که هر یک از دانش آموزان می توانند سطوح متفاوتی از پیشرفت را در هر موضوع داشته باشند (مهرافروز، به نقل از مرادی، ۱۳۹۱).

عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

سال های متمادی است که محققان و پژوهشگران تعلیم و تربیت و روان شناسان اجتماعی مطالعات فراوانی در مورد عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان انجام داده و همیشه این موضوع در نظر آنها مطرح بوده است؛ چرا که پیشرفت تحصیلی موضوعی است که به خصوص در حال حاضر مورد توجه تمامی کشورهای جهان است و هر ساله مقدار زیادی از بودجه صرف تحصیل کودکان و نوجوانان می شود و پژوهش های زیادی به بررسی عوامل مختلفی که می توانند بر پیشرفت تحصیلی تأثیر داشته باشند، مانند خانواده، محیط زندگی، مدرسه و برنامه های آموزشی اختصاص یافته است (قاجاریه، به نقل از مرادی، ۱۳۹۱) مانند خانواده، محیط زندگی، مدرسه و برنامه های آموزشی اختصاص یافته است (قاجاریه، به نقل از مرادی، ۱۳۹۱). مطالعه عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی مسأله پیچیده ای است؛ چرا که پیشرفت، عنصری چند بعدی است و به گونه ای ظریف به رشد جسمی، اجتماعی، شناختی و عاطفی دانش آموزان مربوط است. در گذشته بسیاری از پژوهشگران روی تأثیر توانایی



های ذهن و شناختی بر پیشرفت تحصیلی تأکید میکردند. به طور کلی، عواملی که بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر دارند، به سه دسته تقسیم میشوند:

عوامل فیزیولوژیکی: این عوامل شامل متغیرهای بدنی و فیزیکی یادگیرنده از جمله سوء تغذیه و سلامت جسمانی می شود. عوامل روان شناختی: این عوامل شامل متغیرهای روان شناختی از جمله، استعداد، خلاقیت خودپنداره، عزت نفس، نگرش نسبت به مسایل آموزشی، انگیزه پیشرفت، امکان کنترل و ویژگی های شخصی دیگر می شود. عوامل محیطی: این عوامل در برگیرنده متغیرهای بیرونی شامل پایگاه اقتصادی و اجتماعی (درآمد، تحصیلات، محل زندگی)، متغیرهای مربوط به خانواده (تعداد افراد خانوار، سبک فرزند پروری والدین، ارزش های فرهنگی خانواده) و متغیرهای مربوط به محیط مدرسه (شرایط مدرسه، مدیریت مدرسه، نگرش ویژگی های معلمان، فرهنگ و جو سازمانی مدرسه) می شود (صاحب، به نقل از مرادی، ۱۳۹۱) (تقی پور و همکاران، ۲۰۱۷)

یادگیری

هیلگارد روان شناس آمریکایی در یک تعریف جامع، یادگیری را این گونه تعریف میکند: "یادگیری یعنی؛ تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار که بر اثر تجربه در تواناییهای بالقوه فرد به وجود میآید" (سیف، ۱۳۸۷). یادگیری فرایندی است که از طریق آن دانش فرا گرفته می شود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۳) (شفیعی، جاهد، ۱۳۹۶).

کیفیت یادگیری

ارزشیابی از کلاس به نحوی که دانش آموزان نیز در آن دخالت داشته باشند و افزایش یادگیری یکی از هدف های آن باشد، به جای آن که فقط ارزشیابی دانش آموزان باشد، می تواند شور و شوق یادگیری را در آنان تقویت کند. دانش آموزان در این نوع ارزشیابی یاد می گیرند از اطلاعات ارزشیابی برای مدیریت فرایند یادگیری خود استفاده کنند. با به کار بستن آن چه که از آن با عنوان ارزشیابی برای یادگیری یاد می کنیم، آموزگاران یافته های پژوهش روشنی را دنبال می کنند که حاکی از تأثیر ارزشمند آن بر میزان پیشرفت یادگیری دانش آموزان است. ارزشیابی از کلاس درس را به عنوان بخش سالمی از یاددهی کارآمد و یادگیری موفقیت آمیز در نظر بگیرید. در زمانی که ارزشیابی های بیرونی فراگیر، مورد توجه و پشتیبانی سیاست گذاران آموزشی است، آموزگاران زیادی دریافته اند که چه گونه با استفاده از ارزشیابی های روزانه کلاسی، می توان در دانش آموزان شور و شوق آموختن ایجاد کرد و آنان را برای هدف هایی فراتر از ارزشیابی آماده ساخت. در حقیقت، به جای آن که ارزشیابی را علت موفقیت بدانیم، شاخص موفقیت مدرسه در نظر می گیریم. متأسفانه، آن چه که در روش های سنتی ارزشیابی لحاظ نمی شود، استفاده از آن به عنوان ابزاری در جهت پیشرفت موفقیت های تحصیلی بیشتر دانش آموزان است. روش



مرسوم این است که آموزگار پس از تدریس مطلب، امتحان می‌گیرد و آموزگار و کلاس بدون توجه به دانش آموزان ناموفق، یعنی کسانی که در مدت زمان معین و سلسله مراحل طی شده مطلب را نیاموخته‌اند، پیش می‌روند و ضعیف‌ها را در رتبه‌های پایین جا می‌گذارند. در واقع، پایه‌ی این گونه ارزشیابی بر عقیده منسوخ‌ی است: برای این که دانش آموزان بهتر یاد بگیرند باید نگرانی آنان را افزایش دهیم و این کار باید با مقایسه کردن آنان با هم کلاسی‌های موفقشان با هدف ایجاد انگیزه برای عملکرد بهتر انجام شود (Stephen and Richard, 2002).

بر خلاف این برداشت، ارزشیابی برای یادگیری طی فرآیند یاددهی و یادگیری انجام می‌شود، نه پس از آن و تأکید اصلی بر پیشرفت مداوم یادگیری در همه‌ی دانش آموزان است. در واقع، آموزگاری که از روش ارزشیابی روزانه فعالیت‌های کلاسی استفاده می‌کنند تا دانش آموزان را به طور مستقیم و عمیق در فرآیند یادگیری فردی خود شرکت دهند، سبب افزایش اعتماد به نفس آنان و ایجاد انگیزه برای یادگیری بیشتر می‌شوند؛ زیرا تأکید اصلی این روش به جای القای احساس شکست، بر موفقیت و پیشرفت دانش آموزان است. در این الگوی آموزشی، ارزشیابی دانش آموزان، به جای آن که فقط برای سنجش و نمره دادن به دانش آموزان طراحی شده باشد، نوعی ابزار آموزشی برای ارتقای یادگیری است. به علاوه، وقتی دانش آموزان در ارزشیابی شرکت داده می‌شوند، به ارزشیابی بیشتر به این صورت نگاه می‌کنند که معلم می‌خواهد به آنان چیزی یاد بدهد نه این که از آنان امتحان بگیرد (Stephen and Richard, 2002).

یاد گرفتن خود ارزشیابی و خو کردن به مهارت‌های آن در حیطه توانایی همه دانش آموزان است. دانش آموزان با ارزشیابی منظم خود، مسئولیت بیشتری در قبال یادگیریشان بر عهده می‌گیرند. در حقیقت استفاده صحیح از روش ارزشیابی برای یادگیری، از جمله ابزارهای آموزشی آموزگاران با تجربه جهت ایجاد اعتماد به نفس در فراگیران است. این روش، موقعیتی را فراهم می‌آورد تا دانش آموزان فرایند یادگیری خود را زیر نظر بگیرند و در این زمینه با دیگران گفت و گو کنند. همان طور که می‌دانید واکنش دانش آموزان به نمره متفاوت است، برخی آن را تشویق و برخی آن را تنبیه می‌پندارند. آنانی که موفق بوده‌اند به تلاش خود ادامه می‌دهند و آنانی که موفق نبوده‌اند ممکن است از تلاش کردن بازمانند. اما همه دانش آموزان به ارزشیابی که موفقیت را مورد توجه دارد نه سنجش را، پاسخ مثبت می‌دهند. معلمان می‌توانند با تلاش مداوم درستی ارزشیابی‌های روزانه خود را بهبود بخشند، باز خورد‌های توصیفی را که به دانش آموزان عرضه می‌کنند، آموزنده تر سازند و میزان دخالت دانش آموزان را در فرایند ارزشیابی بیشتر کنند. در نهایت، به کارگیری چنین روشی به منزله استفاده از نوعی ابزار در جهت پیشرفت آموزش است که به پرورش دانش آموزان مسئول، با انگیزه و خود هدایتگر منجر می‌شود (Stephen and Richard, 2002).



مروری بر عوامل فردی مؤثر در یادگیری

دکتر ناصرالدین کاظمی حقیقی متخصص امور یادگیری و تیزهوشی و استاد دانشگاه در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص اینکه چه عوامل فردی در فرآیند یادگیری مؤثر است؟ گفت: ما ۵ عامل فردی و ۱۰ تا ۱۱ عامل محیطی را می‌توانیم در فرآیند یادگیری برشماریم. عوامل فردی به عواملی می‌گوئیم که صرفاً به خود دانش‌آموز و استعدادهای او باز می‌گردد و عوامل محیطی همه آن چیزهایی به غیر از دانش‌آموز است. مثل مدرسه، خانه، آموزش و پرورش، روش یادگیری و وی درباره اولین عامل یادگیری اظهار داشت: رغبت و انگیزه درونی اولین و مهمترین عامل یادگیری است. اینکه چقدر یک کودک و نوجوان نسبت به یادگیری انگیزه درونی نشان می‌دهد به خصوص درباره یادگیری تحصیلی. ما کنجکاوی‌هایی که عمومی نیست را به عنوان رغبت برای یادگیری کلی در نظر می‌گیریم اما رغبت تحصیلی متفاوت است. اینکه چقدر بچه‌ها گرایش ذاتی به سمت یادگیری و سپس یادگیری تحصیلی دارند، مهم است و باید بدون مشوق‌های محیطی این انگیزه را دانش‌آموز احساس کند. کاظمی حقیقی افزود: دومین بحث استعداد و توانایی یادگیری دانش‌آموز است که در مبنای کلی ما آن را هوش تحصیلی و توانایی یادگیری خاص می‌نامیم. قبل از اینکه از بچه‌ها انتظار داشته باشیم در درس و تکلیف پیشرفت کنند باید ببینیم چقدر ظرفیت عمومی یادگیری دارند که همان بحث قدیمی هوش است و به طور خاص چقدر توانایی یادگیری درسی و تحصیلی دارند یعنی هوش تحصیلی (Stephen and Richard, 2002)

متخصص امور یادگیری و تیزهوشی سومین عامل مهم در یادگیری را معلومات دانش‌آموز اعلام کرد و گفت: بچه‌ها به میزانی که اطلاعات اولیه دارند در هر مبحث پیشرفت نشان می‌دهند. به همین دلیل است که بچه‌هایی که در شرایطی به سر می‌برند که در بیرون از مدرسه یادگیری عمومی برایشان در دسترس است، یادگیری درسی شأن تسهیل می‌شود. وی بیان کرد: نگرش تحصیلی عامل چهارم است که البته این عامل به فراخور سن افراد متفاوت می‌شود. بچه‌ها از ۱۱ سالگی دیدگاهی نسبت به تحصیل دارند و ممکن است سوالاتی مطرح کنند که چرا باید درس بخوانم یا به مدرسه بروم. اینها به تصور و باورهای فردی او بازمی‌گردد. نظر به عقیده‌ای که فرد دارد تا حد زیادی در یادگیری درسی اثرگذار است. در دبیرستان و دانشگاه اثرگذاری بیشتری دارد. بالاخص این ویژگی که پیشرفت تحصیلی است، خودباوری تحصیلی نقش تعیین‌کننده‌ای در آن دارد. اینکه من تا چه اندازه از عهده درس‌ها بر می‌آیم به اعتماد به نفس دانش‌آموز کمک می‌کند و بازدهی یادگیری را بالا می‌برد. ممکن است دانش‌آموزی در درس خاصی این خودباوری را داشته باشد و یک موقع هست که این خودباوری در فرد به طور کلی نمایان می‌شود یعنی اینکه من از عرضه خواندن ۶ درس همزمان بر می‌آیم. این دیدگاه در ظرفیت یادگیری فرد مؤثر



است. کاظمی حقیقی افزود: آخرین عامل مهم فردی نیز که مدارس کمتر به آن توجه می کنند، این است که دانش آموز روش یادگیری هر درس را بداند. روش یادگیری نقش روشن کننده ای در فرآیند یادگیری دارد. عموماً آموزگاران ما این بخش را به آزمون و خطای خود دانش آموزان واگذار می کنند که مثلاً درس فارسی یا ریاضی را چطور بخوانند. (سهرابی، ۱۳۹۹)

هتی و تیمبرلی (Hattie & Timberley, 2007) در مطالعات خود، یک مدل بازخورد ارائه کردند. این مدل شامل چهار سطح است: (۱) بازخورد در مورد تکلیف (مثل بازخورد در مورد درستی یا نادرستی پاسخ). (۲) بازخورد در مورد فرایند انجام تکلیف (مانند بازخورد در مورد روش استفاده شده برای انجام کار). (۳) بازخورد در مورد خود تنظیمی (مانند خودسنجی های دانش آموز یا اعتماد به نفس وی). (۴) بازخورد در مورد دانش آموز به عنوان یک شخص (مثلاً بیان این که دانش آموز یا باهوش است). آنها به این نتیجه رسیدند که میزان اثر بخشی بازخورد بستگی به سطح آن دارد و زمانی که بازخورد ها مربوط به کیفیت کار یا مربوط به روش انجام دادن آن باشد موثر تر است (جباریان گرو و همکاران، ۱۳۹۵). pintrich. مهمترین راهبردهای یادگیری را راهبردهای شناختی، راهبردهای فراشناختی و راهبردهای مدیریت منابع می داند، که از طریق آنها افراد با استفاده از امکانات و منابع موجود به هدف گزینی، برنامه ریزی، مدیریت و نظارت بر جریان یادگیریشان می پردازند (kareshki, 2007) این راهبردهای طرح های کلی، روش ها و فنون ذهنی برای حل مساله و اکتشاف هایی برای پردازش اطلاعات هستند که باعث تسهیل عملکرد یادگیری در افراد می شوند. (Nicol & Thomson & breslin, 2014; Piri & zavar, 2013) محققان از عوامل مهمی که می تواند در پیشرفت تحصیلی اثر گذار باشد، کیفیت یادگیری و عامل خود تنظیمی و بازخورد اشاره کردند. (Schunk & koshki & mardali, 2000; shute shute, 2008) وقتی معلم درس ریاضی را دوباره برای دانش آموزان توضیح می داد و تلاش می نمود که توجه دانش آموزان را به نکاتی که لازم بود جلب کرده (یعنی در مورد مطالبی که آنها نفهمیده بودن باخورد داده و دوباره مطلب را بیان می نمود)، باعث می شد که باور آنها نسبت به خودشان بهبود پیدا کند، و عملکرد و نمره دانش آموزان در این درس افزایش یابد (Latifian & khosbakht, 2012).

در دنیا زبان های گوناگونی برای ارتباط انسان ها با یکدیگر وجود دارد، هر کشوری به زبان خاص خود صحبت می کند. اما در این میان زبان واحدی وجود دارد که همه ی افراد به راحتی می توانند با آن ارتباط برقرار کنند. موسیقی ... ادیان و نژادها بی شمارند اما زبان و روح یکی است، زبان عشق، موسیقی نوعی زبان عشق است. کاربرد موسیقی برای درک زیبایی و سلامت زندگی اجتناب ناپذیر است. موسیقی کودک در سرزمین ما امروزه، به واسطه ی بی مرزیهای فرهنگی، خوشبختانه رو به جایی دارد که میتوان خوشایند تلقی کرد، اما این خوشایندی به این معنا نیست که موسیقی کودک در ایران ره به جایی برده باشد.



شکی نیست که فرهنگ ما اکنده از ویژگی های زیبای هنری است در این میان موسیقی که با لالایی مادران این سرزمین در امیخته است منبع پایان ناپذیری در این عرصه محسوب می شود. پس اگر کودکان امروز که به مثابه ی اجتماع فردی اند، اگر با بی قیدی مواجه شوند برون رفت از آن دشوار خواهد بود. جای خالی این هنر در سرفصل های درسی مدارس ایران کامال به چشم می آید آنچه قبل از ورود به هر گونه مانوس کردن کودک با موسیقی، لازم به عمل است شناسایی و معرفی موسیقی به عنوان همراه همیشگی در زندگی انسان است در این مفهوم اگر کودک پیش از ورود به جریان عملی و اجرایی موسیقی بتواند چنین آموزشی را درک و دریافت کند نگاه است که می توان ضمن آشنا نمودن کودک با حوزه های گوناگون موسیقی، گرایش های او را شناسایی کرد و در جهت عملی کردن آنها گام برداشت (توسلیان، ۱۳۹۲). (بارخدا و همکاران، ۱۳۹۴).

نشان داده شده است که توانایی های موسیقی و تعامل با موسیقی با توانایی های شناختی و همچنین رفتارهای اجتماعی و عملکرد تحصیلی در دانش آموزان دبیرستان رابطه مثبت دارد. با این حال، بسیاری از شواهد مربوط به تأثیرات مثبت آموزش موسیقی بر توانایی های شناختی از مطالعات همبستگی با طرح های تقسیم بخشی حاصل می شود، جایی که ارتباط بین متغیرهای موسیقی و اقدامات شناختی، اجتماعی یا دانشگاهی با مجموعه داده های "عکس فوری" مشاهده می شود، به طور معمول در طول چندین سال گروه های یک یا چند مدرسه. از داده های مقطعی از این نوع، به طور کلی دشوار می توان نتیجه گرفت که آیا توانایی های موسیقی و درگیری موسیقی علت یا نتیجه تقویت توانایی های شناختی و اجتماعی و همچنین عملکرد تحصیلی است (Schellenberg, 2011) با این وجود، شواهد حاصل از تعداد کمی از مطالعات مداخله ای موجود - که در آن گروهی از دانش آموزان که آموزش ویژه موسیقی دارند با یک گروه کنترل بدون آموزش موسیقی مقایسه می شود - نشان می دهد که آموزش روی یک ابزار موسیقی می تواند نمرات هوش و همچنین نمرات علمی را افزایش دهد (Ho, et al, 2003). (Amy, et al, 2015)

گاهی پیش می آید که شخصی که با وجود تحصیلات و هوش کافی در یکی از مهارت های مربوط به فهمیدن و گفتار، مشکل اساسی پیدا می کند. برای مثال بعضی از افراد در خواندن، صحبت کردن و محاسبه های ریاضی ناتوانی دارند و این ناتوانی را از کودکی در خود احساس می کنند. این ضعف می تواند نوعی اختلال یادگیری باشد به عبارت دقیق تر، اختلال یادگیری مشکلی است که در یک یا چند زمینه شامل شنیدن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن و محاسبه های ریاضی به وجود می آید. این ناتوانی در انجام وظایف مدرسه و کارها وقفه هایی را ایجاد می کند اما چون فرد مشکل هوشی ندارد کم و بیش می تواند تحصیلات خود را به پایان برساند. موسیقی درمانی به معنی استفاده از موسیقی و برنامه های تنظیم شده موسیقایی برای توانبخشی تمامی بیماران (جسمی و روانی) است. انجمن موسیقی درمانی آمریکا (۱۹۹۷)



موسیقی درمانی را استفاده از موسیقی برای اهداف درمانی شامل تجدید، ایجاد و تقویت سلامت بدنی و روانی تعریف می کند. انجمن موسیقی درمانی استرالیا تعریف موسیقی درمانی را استفاده برنامه ریزی شده از موسیقی برای اهداف درمانی و رفع نیازهای کودکان و بزرگسالان که به دلیل اجتماعی، عاطفی، بدنی و ذهنی آسیب دیده اند، ارائه می دهد. هم چنین انجمن حرفه ای موسیقی درمانگران موسیقی درمانی را به عنوان ابزار و شبکه های ارتباطی برای ایجاد رابطه متقابل بین بیمار و درمانگر از راه موسیقی و نشانه های موسیقایی تعریف می کند که می تواند هم در وضعیت بیمار و هم در شیوه درمان تغییراتی ایجاد کند. درمانگر با استفاده از ارتباط خلاق موسیقایی در موقعیت درمانی، تجربه هایی بر اساس موسیقی را به وجود می آورد که به اهداف درمانی منجر می شود (فریدونی و پوروند، ۱۳۹۶).

موسیقی کودکان از حد یک سرگرمی یا هیجان فراتر رفته به طوری که تأثیرات شناختی آن در افزایش توان ذهنی، تمرکز، مهارت حرکتی و هماهنگی حواس از هر چیز دیگری قویتر است. کودکان آشنا به موسیقی هوشیارتر و دقیقتر به محرکهای شنوایی پاسخ میدهند. دامنه گسترده موسیقی ایجاد میکند که آموزش آن - همانند دیگر علوم - از کودکی آغاز شود. کودکان علوم ریاضی، فیزیک، شیمی، ادبیات و... را به صورت دروسی مدون از دوران دبستان فرا میگیرند و مباحثی از آنها را در سنین مختلف با بیانی ساده میآموزند (بارخدا و همکاران، ۱۳۹۴).

یادگیری عبارت است از کسب دانش و اطلاعات عاداتی مختلف مهارتهای متنوع، و راههای گوناگون حل کردن مسائل. همچنین یادگیری را به عنوان فراگیری رفتارها و اعمال مفید و پسندیده و حتی به عنوان کسب رفتارها و اعمال مضر و ناپسند (ترجمه دکتر سیف، ۱۷۳۱ و) تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد، بر اساس طراحی منظم و هدفدار معلم، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد (بارخدا و همکاران، ۱۳۹۴).

استروسکایا معتقد است که هنر موسیقی کودک را یاری می دهد که واقعیت را واضح تر درک کند و به نیک سیرتی و خیر خواهی و مهربانی روی آورد. به نظر او موسیقی بنا به محتوای خود سبب بروز عکس العمل مثبت می شود مثال گوش کردن در ترکیب الایی ها آرام و دلنشین، سبب آرامش شنیدن ترانه های محلی موجب تحرک و فعالیت خواندن سرودهای ملی و میهنی مایه نشاط می شود. عرض از نقش موسیقی در تربیت تأثیرات خاصی است که موسیقی بر روان انسان می گذارد (بارخدا، حسن پور، قاسمی، ۱۳۹۴). درک تأثیر موسیقی بر یادگیری موضوع تازه ای نیست. از قرن ها پیش، آموزگاران متوجه نقش موسیقی بر رشد ذهن انسان شده بودند تا جایی که از کنفوسیوس در چین تا افالطون در یونان باستان، موسیقی جزئی جدانشدنی از برنامه درسی کودکان و جوانان بوده است. درک تأثیر موسیقی بر یادگیری موضوع تازه ای نیست. از قرن ها پیش، آموزگاران



متوجه نقش موسیقی بر رشد ذهن انسان شده بودند تا جایی که از کنفوسیوس در چین تا افلاطون در یونان باستان، موسیقی جزئی جدانشدنی از برنامه درسی کودکان و جوانان بوده است (شعبانی، ۱۳۹۱).

فضای کنش معلم و دانش آموزان در جریان تدریس بسیار مهم است اگر فضا خشک باشد بر یادگیری تأثیری منفی دارد و یادگیری کیفیت لازم را نخواهد داشت اما اگر موسیقی را وارد جریان تدریس کنیم به یادگیری را جذاب تر و آسان تر می کند. صدا یکی از حواس ماست که جایگاه مهمی دارد به طوریکه از همان ماه های اول جنینی در تشکیل مسیرهای عصبی تأثیری بسیار مهمی دارد اگر همین صدا و صوت در قالب ریتم و ملودی شکل بگیرد و مفهوم پیدا کند جریان سیال تر و نفوذش خیلی عمیق تر می شود. پژوهش های متعددی تأیید می کند که موسیقی در کودک می تواند باعث رشد اکسون های عصبی و ایجاد بسیاری از مدارهای عصبی گردد. منظور از موسیقی فقط نواختن ساز نیست بلکه خوب گوش دادن و دقیق شنیدن و درست تشخیص دادن وزن ها و تمیز صداها از مدیگر است. درباره ی ارتباط درست و دقیق شنیدن با رشد عصبی کودک تحقیقات بسیاری وجود دارد که تا جایی که به عنوان پدیده موتزارت درباره ی اثر موسیقی بر کودکان در جهان مشهور شده است یعنی شنیدن موسیقی هایی که در ساختار طبیعی و پیچیدگی های اندک دارند و ملودی، و ریتم های هارمونی در آنها متناسب با ساختار و شرایط ذهنی کودک است، بچه هایی که در معرض شنیدن این صداها منظم قرار می گیرند رشد مسیرهای عصبی رشد هوش فعالیت حسی حرکتی آنها پویا تر و بهتر انجام گرفته است. (ارجمند، ۱۳۸۸).

اما در سالهای اخیر، تحقیقات بسیار بیشتری روی تأثیر موسیقی بر رشد مغز، حافظه، یادگیری و غیره انجام شده است. ممکن است بسیاری از مردم، موسیقی را تنها از جنبه هنری آن مورد توجه قرار دهند اما، موسیقی رابطه تنگاتنگی با درک ریاضی دارد. نه تنها نت ها و اصوات موسیقایی از نظر بسامد و شدت با ریاضی و فیزیک گره خورده اند بلکه، حتی می توان کل یک آهنگ را از نظر روابط ریاضی مورد بررسی قرار داد؛ تعادل و هماهنگی بین این دو رشته بسیار زیاد است، پس موسیقی از طریق ریتمیک کردن و غیره می تواند به آموزش ریاضیات کمک کند (بارخدا و همکاران، ۱۳۹۴).

از نقطه نظر روانشناسان یا افرادی که کارکرد موسیقی در زمینه های روانشناختی را مطالعه می کنند، موسیقی فرایند یا پدیده ای است که روند ساختارش (ریتم، ملودی، هارمونی) و روند پیشرفت و شکل گیری این ساختار با فرایند شکل گیری ذهنی کودک همسویی مشخصی دارد. پژوهش های متعدد تجربی زیادی نشان می دهد موسیقی توانایی همسویی با تحول شناختی، روانی، و عاطفی کودک دارد. رشد عاطفی و احساسی که در دوره های پیش دبستان و دبستان و... وجود دارند، جنبه های شناختی و ذهنی کودک که قدرت تشخیص و تحلیل آن بر می گردد، در ساختارهای ریتمیک، ملودیک و هارمونیک موسیقی به خوبی دیده می شود و به صورتی تحولی در فرایند رشد کودک نیز وجود دارند لذا ضرورت آموزش موسیقی به این دلیل است که



می تواند رشد عاطفی و شناختی کودکان را تسریع می بخشد و یک موسیقی خوب می تواند ساختار عصبی شناختی کودک را تقویت کند همانطور که موسیقی غیر علمی و هیجانی می تواند هوش را کم کند از طرفی دیگر آموزش موسیقی به کودک نقش مهمی در تعاملات اجتماعی و فرافکنی احساسات کودک ایجاد می کند، به طوریکه در همه جهان از موسیقی برای تعدیل انرژی و تقویت مهارت های حسی و حرکتی کودک استفاده می گردد. این ضرورتی است که هیچ مرجعی نتوانسته منکر آن شود. (زاد محمدی، ۱۳۸۸)

امروزه ثابت شده است موسیقی نقش مهمی در زندگی کودک دارد از مهمترین آنها رشد و تقویت دو سویه مغز است (راست و چپ)، رشد و تقویت تکلم و اجتماعی شدن کودک است. وقتی به رشد و تکامل بشر نگاه می کنیم مشاهده می شود که موسیقی در تمام لحظات زندگی بشری همواره او را همراهی کرده است چنانچه ارسطو می گوید: از آنجا که موسیقی در شکل گیری شخصیت کودک تاثیر بسزایی دارد الزم است آن را به کودکان بیاموزیم. و امروزه نیاز استفاده از موسیقی و آموزش آن برای کودک از دوران جنینی مطرح است به طور خلاصه موسیقی موجب شادی و خوشحالی می شود پس اگر موسیقی وارد سیستم آموزش و پرورش شود شادی و خوشحالی که با خود می آورد می تواند بازخورد مثبتی بر روند تدریس و یادگیری داشته باشد. موسیقی مهارت های تشخیص شنوایی را رشد می دهد (بارخدا و همکاران، ۱۳۹۴).

واژ این طریق باعث تقویت توانایی های جسمی و حرکتی می شود موسیقی موجب تعادل و رشد هیجانی و عاطفی کودک می گردد از طرفی دیگر موسیقی چون تاثیری فوق العاده ای بر فرد و گروه دارد مثال کودکان منزوی را ترغیب می کند تا با دیگران سهیم باشند و کودکان پرخاشگر کم تر در برابر آن مقاومت می کنند، زیرا به آنها برای پذیرفته شدن به عنوان عضوی مثبت کمک می کند در واقع آموزش موسیقی و دور هم جمع شدن برای آن جایی است که در آن همه ایجاد چیزی که به طور مشترک خوشایند آنهاست همکاری می کنند (سالم، ۱۳۸۹). (بارخدا و همکاران، ۱۳۹۴).

مفهوم کلی هوش

هوش یکی از مباحث اصلی و مهم در روان شناسی است. در تعریف آن (لغوی و اصطلاحی)، گفته شده است «هوش یا هوش در لغت به معنای فهم، شعور، درک، آگاهی، بیداری، بجا بودن حواس، متمایز کردن، زیرکی، زرنگی، عقل و خرد استعمال شده است. و اما بررسی مفهوم اصطلاحی هوش نشان می دهد که علی رغم تعاریف گوناگون و متنوع از آن، مراد چیزی جز تعبیر ادبی و تاریخی «جوهر دانایی» و یا «توانایی یادگیری» نیست. هرگاه فرد در حوزه های خاص از توانایی یادگیری فوق العاده باشد، اصطلاحاً می گوئیم وی فردی مستعد است و در آن زمینه از استعداد خاص برخوردار است (کازمی حقیقی، ۱۳۷۶ ص ۱). (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷).



ارائه‌ی تعریفی جامع که بتواند تمامی ابعاد «هوش» را در نظر بگیرد مشکل است زیرا اصولاً هوش صفتی فرضی و مفهومی انتزاعی است که از روی عملکرد افراد قابل تشخیص است. واژه‌ی هوش زیاد به کار می‌رود، ما پیوسته هم‌معنان خود، به خصوص کودکان را تیزهوش، یا کم‌هوش یا بی‌هوش می‌نامیم یا در فکر خود یکی از این صفات را به آنان نسبت می‌دهیم. با این وجود اگر از ما پرسند که هوش چیست؟ در پاسخ به زحمت می‌افزاییم علت این است که اولاً مسلم نیست که هوش به وجه مطلق و خالص و به صورت استعداد مستقل وجود داشته باشد، ثانیاً به فرض وجود داشتن، بتواند مستقیماً و به روش عینی و علمی مورد مطالعه قرار گیرد (piajhe, 1986). آلفرد بینه و سیمون که اولین آزمون هوش به نام آن هاست معتقد بودند «هوش یک قوه‌ی ذهنی بنیادی است که تغییر یا فقدان آن بیش‌ترین اهمیت را در زندگی علمی آدمی دارد. این قوه ذهنی، همان قضاوت است که گاه از آن تحت عنوان عقل سلیم، عقل عملی، ابتکار و توانایی تطبیق با شرایط یاد می‌شود: درست قضاوت کردن، درست درک کردن و درست استدلال کردن و اینهاست فعالیت‌های بنیادین هوش» (Bine & Simon, 1905; Hilgard, 1980; 47, 48). در سال ۱۹۱۶، Teroman شاخص مناسبی برای هوش ارائه داد که نخستین بار توسط روان‌شناس آلمانی؛ (Wiliyam Shtern, 1383) پیشنهاد شده بود. این شاخص هوش بهر نامیده می‌شود که در زبان انگلیسی به IQ شهرت دارد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷).

اما در سال‌های اخیر دیدگاه‌های دیگری نسبت به هوش پدید آمده است. یکی از این دیدگاه‌ها، نظریه هوش چندگانه است که توسط هاوارد Gardner، روان‌شناس دانشگاه هاروارد، ارائه گشته است. بر طبق این نظریه، دیدگاه‌های روان‌سنجی سنتی نسبت به هوش، بسیار محدود و ضعیف است. گاردنر نظریه‌اش را نخستین بار در کتاب «قالب‌های ذهنی: نظریه هوش چندگانه»، در سال ۱۹۸۳ ارائه کرد. به عقیده او همه انسانها دارای انواع مختلفی از هوش هستند. او در کتاب خود، هشت نوع مختلف هوش را معرفی نموده و احتمال داده است که نوع نهمی نیز به عنوان «هوش هستی‌گرا» وجود داشته باشد. طبق نظریه گاردنر، برای به دست آوردن تمام قابلیت‌ها و استعدادهای یک فرد، نباید تنها به بررسی ضریب هوشی پرداخت بلکه انواع هوش‌های دیگر او مثل هوش موسیقایی، هوش درون‌فردی، هوش تصویری-فضایی و هوش کلامی-زبانی نیز باید در نظر گرفته شود. نظریه گاردنر با انتقاداتی از سوی روان‌شناسان و مربیان روبرو گشته است. منتقدان می‌گویند تعریف گاردنر از هوش بسیار وسیع و گسترده است و هشت نوع هوشی که او تعریف کرده فقط نشانگر استعدادهای، خصوصیات شخصیتی و تواناییها است. از دیگر نقاط ضعف نظریه گاردنر میتوان به کمبود پژوهش‌های عملی پشتیبان آن اشاره کرد. اما با وجود این، نظریه هوش چندگانه محبوبیت زیادی در بین مربیان و آموزش‌گران پیدا کرده است و بسیاری از معلمان از این نظریه در انتخاب شیوه تدریس خود استفاده میکنند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷).



(Gardner, 2006) در کتاب «چارچوب های ذهن»، هشت هوش متمایز را مطرح کرده که عبارت اند از:

که فقط به تعریف هوش موسیقایی می پردازیم: هوش موسیقایی؛ شامل مهارت در عملکرد، تصنیف و درک الگوهای موسیقایی؛

مطابق نظر گاردنر یادگیری واقعی هنگامی تحقق پیدا می کند که توانایی های منحصر به فرد تک تک دانش آموزان مورد توجه قرار گیرد و شرایط لازم برای ایجاد و پرورش هریک از مقوله های هوشی فراهم باشد این نظریه شیوه های جدیدی را برای افراد متفاوت فراهم می کند تا این که آنها فرصت هایی را برای یادگیری از طریق شیوه هایی که مناسب آنهاست به دست آورند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷).

عوامل موثر در پرورش هوش موسیقایی دانش آموزان:

مفاهیم موسیقایی، آوازخواندن، زمزمه کردن، یا سوت زدن، نواختن موزیک ضبط شده، نواختن آهنگ با پیانو، گیتار یا سایر آلات موسیقی، آوازخواندن گروهی، موسیقی حالت روحی، گرایش موسیقایی، نواختن سازهای کوبه ای، ریتم، آواز، ضربه و سرود، استفاده از موسیقی متن، ارتباط دادن آهنگ با مفاهیم، ساختن ملودی های جدید برای مفاهیم، گوش دادن به مظاهر درونی موسیقی، نرم افزار موسیقی، موسیقی فراهنی

مکانیزم مغزی موسیقی

موسیقی میتواند امواج مغزی را تعدیل بخشیده و از سرعت آنها بکاهد. به طور طبیعی آگاهی از امواج بتا تشکیل یافته است از ۱۷ تا ۲۳ هرتز. ارتعاش امواج بتا زمانی تشکیل میشوند که ما خود را غرق فعالیتهای روزانه جهان خارج می نمایم و همین طور در هنگام بروز احساسات منفی قوی ظاهر می گردند آگاهی و آرامش افزایش یافته، همراه با امواج آلفا است که از ۸ تا ۱۰ هرتز و دوران خالقیت به اوج میرسد. نواختن موسیقی میتواند به خلق یک تعادل پویا میان نیمکره ی منطقی تر مغزی و بین نیمکره چپ و راست شهودی پردازد و به ایجاد تفکری که میتواند پایه خلاقیت را بنا نهاد منجر گردد (کمپل، ترجمه بهزاد، ۱۰۸۳). وقتی اطلاعات تازه های از محیط به نوزاد میرسد مسیرهای عصبی جدیدی ایجاد میشود. (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷).

یادگیری های ذهنی و پیشرفت مهارتهای حرکتی نیز مسیرهایی را به خود اختصاص میدهد. نورونهایی که در این مسیرها به کار گرفته نمیشوند به تدریج از بین میروند. تصور میشود که موسیقی نیز به این طریق عمل کرده و سبب پیدایش و تقویت مسیرهای عصبی خاص خود می گردد. در تحقیقی در دانشگاه کونستانس آلمان نشان داده شد که موسیقی سبب نوسازی مسیرهای عصبی و 1 تقویت چرخه های نوروترانسمیتری بین نورونی میگردد (بگلی، ۲۰۰۰). تحقیقات نشان میدهند که مغز



انسان از قبل آماده شده است تا الگوها را در موسیقی و زبان ردیابی کند. جالب است که ما انواع مشخصی از الگوهای موسیقایی را به بقیه ترجیح می‌دهیم. (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷).

مسیرهای ارتباطی گوناگونی که بین انسان‌ها ایجاد می‌شود منوط به یکسری توانایی‌های ذاتی و اکتسابی در افراد است، از جمله آنها که او را در برقراری ارتباطی مؤثرتر یاری می‌دهد قوه‌ی عقل و ادراک است و هوش نیز جدای از این مقوله نیست. بنا به عقیده و کسلسر هوش عبارت است از: کلیه توانایی‌های دو تفکر عاقلانه، عمل منطقی و رفتار مؤثر در سازگاری با محیط. گاردنر شیوه‌ای را فراهم می‌کند که می‌توان به وسیله آن توانایی‌های بشر را با قراردادن آنها در هشت مقوله متفاوت به شرح زیر بازنمایی کرد (گراث و مارنات، ۱۳۸۴): هوش کالمی، هوش منطقی/ریاضی، هوش فضایی، هوش حرکتی/جسمانی، هوش موسیقایی، هوش میان فردی، هوش درون فردی و هوش طبیعت گرایی. تحقیقات نشان می‌دهد که افراد از لحاظ بهره هوشی و هوش‌های مختلف با یکدیگر متفاوتند.

هوش موسیقایی

هوش موسیقایی یعنی توانایی درک و تولید موسیقی. این هوش با آهنگ، موسیقی و گوش دادن به آن سر و کار دارد. آنهایی که دارای سطح بالایی از هوش موسیقایی می‌باشند، حساسیت زیادی به اصوات، ریتم‌ها، نت‌ها و موسیقی از خود نشان می‌دهند. آنها به طور معمول قادر به آواز خواندن، نواختن ابزار آلت موسیقی و ساخت موسیقی می‌باشند. از آنجا که مؤلفه‌های شنیداری بسیار قوی در ارتباط با این هوش وجود دارد، آنهایی که در این هوش قوی می‌باشند می‌توانند از طریق سخنرانی، مطالب و موضوعات مختلف را بهتر یاد بگیرند. بعلاوه آنها اغلب از آهنگ‌ها و ریتم‌ها برای یادگیری و به یاد سپاری استفاده می‌کنند و با نواختن موسیقی هم می‌توانند به این هدف مهم نائل آیند. مهارت‌های این افراد شامل: آواز خواندن، نواختن ابزار آلت موسیقی، تشخیص الگوهای آهنگین، آهنگ سازی، به یاد آوردن ملودی‌ها و درک ساختار و ریتم موسیقی می‌باشد.

این گونه افراد این شغل‌ها را ترجیح می‌دهند: موسیقی دان، خواننده، آهنگ ساز، رهبر ارکستر (Gardner, 2006)

یعنی توانایی درک، تشخیص، تبدیل و اجرای اشکال موسیقی. این هوش مستلزم شناسایی ریتم ارتفاع یا ملودی و طنین یا رنگ مایه یک قطعه موسیقی است. هوش موسیقایی یعنی توانایی درک مثال از سوی آهنگ ساز، تشخیص از سوی منتقد موسیقی، تبدیل به عنوان آهنگ ساز و اجرا به عنوان نوازنده اشکال موسیقی. این هوش مستلزم شناسایی ریتم ارتفاع یا ملودی و طنین یا رنگ مایه یک قطعه موسیقی است. در بین این هشت نوع هوش، هوش موسیقایی زودتر از بقیه خود را نشان می‌دهد و حتی میتوان گفت از دوران نوزادی با غان و غون کودک آشکار میشود. این خودشان هم دارای صدای خوبی افراد حساسیت زیادی نسبت به صداها، ریتمها، تونها و موزیک دارند و معمول هستند. توانایی کار با تجهیزات موسیقی و ترکیب و تصنیف



را دارند و بیشتر از طریق سخنرانی، استفاده از ریتم ها و آهنگ ها برای به خاطر سپاری اطلاعات و یادگیری استفاده می کنند. این افراد در یک پس زمینه موسیقی بهتر کار می کنند (صادقی، ۱۳۸۷). مناطق عصبی اولیه، لوب گیج گاهی راست می باشد و مشاغل مناسب برای آن ها سازنده وسایل موسیقی، رهبر ارکستر، آهنگ ساز و خواننده می باشد (آرمسترانگ، ۲۰۰۱). هوش موسیقایی به توانایی فهمیدن، گسترش و پیشرفت متون موسیقی، پاسخگویی به موسیقی، درک اشکال و ایده های موسیقی، ایجاد عملکرد ذهنی و آهنگ سازی اشاره می کند. این هوش بسیار سریع تر از سایر هوش ها ظهور می کند. در دوران نوزادی کودکان همان طور که قان و قون می کنند، آواز می خوانند، می توانند اصوات دیگران را تقلید کرده و یا اصواتی را تولید کنند.

کسانی که هوش موسیقایی بالایی دارند در فکر کردن به الگوها، ریتم ها و صداها قوی هستند. این افراد از موسیقی لذت می برند و معمولاً در نواختن سازهای موسیقی و آهنگ سازی مهارت دارند. ویژگی های هوش موسیقایی: لذت بردن از آواخوانی و نواختن سازهای موسیقی • تشخیص آسان الگوها و نت های موسیقی • توانایی به خاطر سپردن آهنگ ها و ملودی ها • درک عمیق از ساختار، ریتم و نت های موسیقی

تأثیرات موسیقی بر ذهن:

آیا همه انسانها نابغه اند؟ آمارها این طور نشان نمی دهد. در حقیقت شاید بیشتر انسانها ذاتاً با استعداد نباشند. بیشتر مردم تقریباً در حد متوسط هستند. شاید تعداد خیلی کمی بالاتر یا پایین تر از این حد باشند.

به طور کلی مردم برای یاد گرفتن در تلاش اند و می خواهند بیشتر در مورد دنیای اطرافشان بدانند و آگاه تر شوند. برخی انسانها سریع تر و بهتر یاد می گیرند و این سرعت یادگیری است که نواغ را از نظر یادگیری از طبقه متوسط جدا می کند. نابغه ها در زمان یادگیری دچار مشکل نمی شوند چون خیلی زود یاد می گیرند ولی دیگران، به کمک احتیاج دارند. روش مناسب در افزایش سرعت یادگیری، موسیقی است.

مطالعه حاضر نشان دهنده نقطه شروع یک مطالعه طولی است که اندازه گیری های مکرر توانایی های شناختی، اجتماعی و موسیقی و همچنین عملکرد تحصیلی را روی همان کودکان دبیرستانی بیش از ۵ سال انجام خواهد داد سوال اصلی این مطالعه طولی مربوط به توسعه همزمان توانایی های موسیقی، هوش، مهارت های اجتماعی، خودپنداره ها و باورها است.



به طور خاص ، ما می خواهیم بررسییم آیا افزایش درگیری با موسیقی که در برخی از کودکان در دوره بلوغ ایجاد می شود ، تأثیرات مثبتی بر هوش و مهارت های اجتماعی دارد؟ ما همچنین می خواهیم این موضوع را بررسی کنیم که آیا چنین تأثیرات انتقال منجر به افزایش درگیری موسیقی می شود یا در واقع قبل از آن است.

یک عامل مهم در ایجاد انگیزه در کودکان ، نحوه پاسخگویی آنها به شکست است. تأثیر عدم موفقیت بر انگیزه می تواند از کودکی به کودک دیگر متفاوت باشد (Amy, et al, 2015)

برخی از نوجوانان علت عدم موفقیت خود را فقدان توانایی می دانند و بنابراین دشواری را غیرقابل حل می دانند. نظر آنها در مورد هوش خود کاهش می یابد ، و برای جلوگیری از شکست بیشتر آنها سرمایه گذاری در این کار را متوقف می کنند با این حال ، راهی که ممکن است این روابط به توسعه موسیقی گسترش یابد کمتر مورد کاوش قرار گرفته است. یادگیری نواختن یک ساز موسیقی یک کار چالش برانگیز است که تا حد زیادی به انگیزه خودمختار دانش آموز متکی است ، زیرا بیشتر تمرینات ساز بدون تمایل به نظارت انجام می شود.

به نظر می رسد پس از آن دانش آموزانی که به شکست پاسخ خوبی می دهند ، باید در موسیقی پیشرفت بهتری داشته باشند ، و در واقع برخی شواهد اولیه برای تأیید این فرضیه وجود دارد: رفتار گرا در یک کار حل مسئله ، پس از یک سال آموزش رسمی ابزار ، عملکرد قابل توجهی بالاتر از دانشجویان درمانده ای که همان شهریه را می گیرند ، نشان می دهد (Amy, et al, 2015)

بنابراین رفتار تسلط محور ممکن است برای پیشرفت موفقیت آمیز موسیقی از اهمیت ویژه ای برخوردار باشد. با این حال ، هنوز بررسی نشده این س ofال وجود دارد که چه عواملی باعث می شوند؟ یک دانش آموز نسبت به موسیقی یک نگرش تسلط گرا داشته باشد. نشان داده شده است که رفتار تسلط گرایانه آکادمیک توسط یک تئوری افزایشی در هوش پرورش می یابد و ممکن است به شکل مشابه ، رفتار تسلط گرایانه موسیقی توسط یک نظریه افزایشی در زمینه توانایی موسیقی پرورش یابد. طبق این فرضیه ، دانش آموزانی که معتقدند توانایی یا استعداد موسیقی بیش از ذاتی آموخته می شود ، تعامل موسیقی خود را به سمت اهداف یادگیری سوق می دهند. در نتیجه یک رویکرد تسلط گرا به موسیقی ، پیشرفت موسیقی بلند مدت را بهبود می بخشد. و سوال اصلی این تحقیق این است که آیا هوش موسیقایی بر کیفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شهرستان زاهدان تاثیر دارد ؟



هدف اصلی: بررسی تاثیر هوش موسیقایی بر کیفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) دانش آموزان ابتدایی مدارس شهرستان زاهدان

پرسش اصلی: هوش موسیقایی بر کیفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) دانش آموزان ابتدایی مدارس شهرستان زاهدان چه تاثیری دارد؟

پیشینه پژوهش

تحقیقات داخلی

شفیعی و جاهد، (۱۳۹۶)، در تحقیقی تحت عنوان هوش موسیقایی و یادگیری به این نتیجه رسیدند که آموزش به عنوان وسیله ای برای انتقال اطلاعات و معلومات و فراهم کردن زمینه برای رشد، پرورش و شکوفا کردن استعدادهاى بالقوه افراد میباشد و یادگیری هم یکی از ارکان مهم آموزش و پرورش است. در این زمینه میتوان از هوش افراد که شایستگی و استعداد یادگیری افراد می باشد استفاده کرد و هدف انجام این پژوهش تعیین رابطه هوش موسیقایی و یادگیری در دانش آموزان است و در جمع آوری اطلاعات از منابع مکتوب و غیر مکتوب استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد که هوش های چندگانه گاردنر به ویژه هوش موسیقایی آموزش را آسانتر و یادگیری را معنادارتر می کند.

صدانلو و باقرپور، (۱۳۹۶)، در تحقیقی تحت عنوان تاثیر کاربرد موسیقی در بهبود عملکرد خواندن و نوشتن دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری به این نتایج رسیدند که داد کاربرد موسیقی در بهبود عملکرد خواندن دانش آموزان مبتلا به اختلال های یادگیری تاثیر مثبت و معناداری دارد. کاربرد موسیقی در بهبود عملکرد نوشتن دانش آموزان مبتلا به اختلال های یادگیری تاثیر مثبت و معناداری دارد. در نتیجه کاربرد موسیقی در بهبود عملکرد خواندن و نوشتن دانش آموزان مبتلا به اختلال یادگیری موثر است.

بارخدا و همکاران، (۱۳۹۴)، در تحقیقی تحت عنوان بررسی تاثیر آموزش موسیقی بر رشد و پیشرفت فراگیران مقطع ابتدایی به این نتایج رسیدند که موسیقی کودکان از حد یک سرگرمی یا هیجان فراتر رفته به طوری که تاثیرات شناختی آن در افزایش توان ذهنی، تمرکز، مهارت حرکتی و هماهنگی حواس از هر چیز دیگری قویتر است. کودکان آشنا به موسیقی



هوشیارتر و دقیقتر به محرکهای شنوایی پاسخ میدهند. دامنه گسترده موسیقی ایجاب میکند که آموزش آن - همانند دیگر علوم - از کودکی آغاز شود. با توجه به اهمیت و ضرورت این مساله محقق در این پژوهش به بررسی تاثیر آموزش موسیقی بر رشد و پیشرفت فراگیران مقطع ابتدایی پرداخته است. برای همین منظور محقق به کمک روش کتابخانه ای در پی پاسخ به سه سوال اساسی در زمینه ی موضوع شامل تعریف و تشریح آموزش موسیقی برای کودکان ، اهمیت آموزش و پرورش در دوره ی ابتدایی و بررسی نتایج حاصل از آموزش بر اساس موسیقی به فراگیران پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که موسیقی از همان دوره جنینی می تواند تاثیر مستقیمی بر فرایند رشد داشته باشد، و آموزش موسیقی در دوره ابتدایی با توجه به اینکه سالهای اول زندگی است، از لحاظ جسمانی، روانی اجتماعی و شناختی تاثیر مثبتی دارد است متعاقبا بر پیشرفت تحصیلی موثر است، البته به شرطی آموزش موسیقی توسط متخصصان امر صورت گیرد.

عباسی و مالمیر و صالحی، (۱۳۹۷)، در تحقیقی تحت عنوان تعیین رابطه هوش موسیقایی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه سوم مدارس ابتدایی منطقه کهریزک به این نتایج رسیدند که رابطه بین دو مولفه ی هوش موسیقایی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه سوم دبستان منطقه کهریزک تبیین شده است و از جامعه آماری که ۳۵۰ نفر بوده است تعداد ۱۸۱ نفر به شیوه ی نمونه گیری تصادفی انتخاب شده اند. روش پژوهش در این مطالعه توصیفی-همبستگی است. اطلاعات مربوط به متغیرهای این تحقیق از آزمون هوش چند گانه گاردنر و یک پرسشنامه ی محقق ساخته و جهت سنجش پیشرفت تحصیلی از میانگین نمرات درسی دانش آموزان که در پایان سال تحصیلی کسب کرده اند، استفاده شده است. بعد از به دست آوردن داده ها با استفاده از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون نتایج نشان داد که مولفه ی هوش موسیقایی رابطه مثبت و معناداری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد. علاوه بر این آزمون نشان داد که سطح تحصیلات والدین با هوش موسیقایی فرزندان دارای ارتباط است. همچنین نتایج نشان داد که دانش آموزانی که مادران آنها خانه دار هستند از هوش موسیقایی بالاتری برخوردارند.

حسن زاده دیزجی و حسن زاده دیزجی ، (۱۳۹۷) ، در تحقیقی تحت عنوان بررسی عوامل موثر بر کیفیت یادگیری دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی در مدارس هوشمند به این نتایج رسیدند که روش پژوهش توصیفی از نوع علی- مقایسه ای و جامعه ی آماری این پژوهش دانش آموزان و معلمان ابتدایی پایه ی پنجم مدارس دخترانه هوشمند منطقه ۱۵ شهر تهران در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ است. تعداد کل دانش آموزان دختر ابتدایی منطقه ۱۵ شامل ۲۵۶۳ نفر و تعداد کل معلمان پایه ی پنجم دختران ۱۲۱ نفر است. نمونه گیری از دانش آموزان به صورت خوشه ای دو مرحله ای انجام شد. در مرحله ی اول سه مدرسه بطور تصادفی انتخاب و در مرحله ی دوم از این خوشه ها یک نمونه تصادفی ساده به حجم ۲۱۳ نفر انتخاب شد. همچنین از معلمان



پایه ی پنجم مدارس دخترانه منطقه ۱۵ تهران، یک نمونه تصادفی ساده به حجم ۲۱ نفر انتخاب شد و پرسشنامه ها میان آنان توزیع شد. به منظور گردآوری اطلاعات از دو پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که روایی و پایایی هر دو مورد تایید قرار گرفت. برای تحلیل داده ها از آمار توصیفی، آزمون t مستقل، رگرسیون خطی استفاده شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که با استفاده از محتوای چند رسانه ای طیف وسیعتری از حواس دانش آموزان در فرآیند یاددهی - یادگیری درگیر شده و فرآیند یادگیری عمیق تر میشود. به عبارتی علاوه بر افزایش کارایی کلاس استفاده از نرم افزارهای گوناگون به دلیل به کارگیری حواس شنیداری و دیداری، به یادگیری دانش آموزان کمک میکند. این سیستم به دانش آموزان اجازه میدهد فراتر از برنامه های درسی خود گام بردارند و تاکید بیشتری بر مهارت تفکر و یادگیری دانش آموزان دارد. همچنین با هوشمندسازی مدارس، تعاملات بین دانش آموزان و معلمان مدارس هوشمند بیشتر شده و این امر میتواند منجر به اشتراک تجربیات موفق و برتر بین آنها شود. بنابراین مدارس با ایجاد بسترهای مورد نیاز جهت هوشمندسازی کلاسها، میتوانند از مزایای این روش آموزش بهره مند شوند.

فریدونی و پوروند، (۱۳۹۶)، در تحقیقی تحت عنوان تاثیر موسیقی درمانی در کاهش و درمان آثار تحصیلی و رفتاری اختلالات یادگیری دانش آموزان، به این نتایج رسیدند که اختلال یادگیری خاص به گروه نامتجانسی از اختلالها گفته میشود که به شکل مشکلات عمده در فراگیری و به کارگیری توانایی های گوش دادن صحبت کردن، خواندن، نوشتن و استدلال یا محاسبات ریاضی آشکار میشود. اکثر کودکان با اختلال یادگیری خاص علی رغم اینکه از هوش بهر طبیعی برخوردارند اما در مدرسه پیشرفت کمتری نسبت به سایر دانش آموزان خواهد داشت. به همین سبب به درمان این کودکان باید توجه ویژه شود. یکی از روشهای موثر و کارآمد برای درمان کودکان با اختلال یادگیری خاص موسیقی درمانی میباشد. نوع پژوهش توصیفی و تحلیلی و از روش کتابخانه ای است و اسناد مورد تحلیل شامل کتابها، پایان نامه ها، نشریات داخلی و خارجی، سایتهای معتبر علمی، نظر صاحب نظران و پیشینه مطالعاتی و پژوهشها در این زمینه بوده است. بررسی های انجام شده نشان میدهد که اگر موسیقی درمانی همراه با کمکهای آموزشی باشد علاوه بر پیشرفت تحصیلی آن ها باعث مرتفع کردن مشکلات اجتماعی هیجانی کودکان نیز میشود. بنابراین مقاله حاضر به بررسی نقش و اهمیت موسیقی درمانی در درمان و سازگاری اجتماعی هیجانی و تحصیلی کودکان دارای اختلال یادگیری خاص می پردازد.

جباریان گرو، مرتضی، خسروی، معصومه، محمدی فر، محمد علی، (۱۳۹۵)، در تحقیقی تحت عنوان اثر بخشی بازخورد نوشتاری و شفاهی معلم بر یادگیری خود تنظیمی و پیشرفت تحصیلی در درس ریاضی به این نتایج رسیدند که طرح پژوهش از نوع شبهه آزمایشی و با استفاده از پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل انجام گرفت. بدین منظور سه کلاس از دانش



آموز پایه سوم راهنمایی با روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایشی و یک گروه گواه قرار گرفتند. ابزارهای مورد استفاده عبارت بودند از: پرسشنامه یادگیری خود تنظیمی و آزمون پیشرفت تحصیلی معلم ساخته. همچنین یک پکیج آموزشی بر مبنای ۱۱ اصلی بازخورد جهت اجرای بازخورد نوشتاری و شفاهی تهیه گردید. گروه های آزمایشی به مدت ۱۵ جلسه بازخورد نوشتاری و شفاهی معلم را دریافت کردند ولی گروه گواه به روش سنتی آموزشی بدون بازخورد به کار خود ادامه داد. نتایج تحلیل داده نشان داد که بعد از ارائه بازخورد در خود تنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان گروه های آزمایشی در مقایسه با گروه گواه، تفاوت معناداری ایجاد شد. اگر چه تفاوت معناداری بین بازخورد کتبی و شفاهی مشاهده نشد، اما مقایسه میانگین ها نشان داد که بازخورد کتبی از بازخورد شفاهی موثر تر بود. بنابراین ارائه بازخورد موثر و مناسب بر اساس اصول مدنظر موجب ارتقای یادگیری خود تنظیمی و پیشرفت تحصیلی در درس ریاضی می شود.

تحقیقات خارجی

اوسما، و الاله، (۲۰۱۰)، در تحقیقی تحت عنوان هوش موسیقی و یادگیری تئوری موسیقی: دیدگاه نظریه بار شناختی به این نتایج رسیدند که متغیر مستقل سطح هوش موسیقی بود (بالا، پایین). متغیرهای وابسته نمره پس آزمون بودند. تجزیه و تحلیل کوواریانس (ANCOVA) برای بررسی تأثیرات اصلی متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته انجام شد. یافته های این مطالعه نشان داد که دانش آموزان با دانش آموزان با هوش موسیقی بالا عملکرد به مراتب بهتری نسبت به دانش آموزان با هوش موسیقی پایین دارند.

امی و فرانسیسکو و پیتز، (۲۰۱۵)، در تحقیقی تحت عنوان بررسی اهمیت خود نظریه های هوش و موسیقایی برای پیشرفت تحصیلی و موسیقی دانش آموزان به این نتایج رسیدند که ما از داده های یک نمونه مقطعی از ۳۱۳ دانش آموز دبیرستانی برای ساختن یک مدل شبکه ای توصیف می کنیم که روابط بین نظریه های خود و اقدامات علمی و همچنین نتایج موسیقی را توصیف می کند، در حالی که اثرات بالقوه هوش و ابعاد بزرگ پنج شخصیت را نیز ارزیابی می کند. نتایج حاصل از مدل شبکه نشان می دهد که خود نظریه های هوش و موسیقایی ارتباط تنگاتنگی دارند. علاوه بر این، هر دو نوع خود نظریه از طریق بعد وظیفه شناسی و تلاش تحصیلی به پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مرتبط است. سرانجام، با استفاده از روش do-



حساب به مدل شبکه، تخمین می‌زنیم که اندازه تأثیرات علیت فرضی بین خود نظریه های موسیقی و پیشرفت تحصیلی بین ۰.۰۷ و ۰.۱۵ انحراف معیار قرار دارد.

تقی پور و کشاورز لشکناری و یوسف رشیدی، (۲۰۱۷)، در تحقیقی تحت عنوان دانش محتوایی روشهای معلمی و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به این نتایج رسیدند که استانداردهای حرفه معلمی مهارتهایی است که از آن به دانش محتوایی، روش های معلمی، دانش و مهارت های روش تدریس حرفه ای، منشها و توانایی انجام فعالیت های حرفه ای که با هدف ایجاد تحول در فرایند یاددهی - یادگیری دانش آموزان از طریق ایجاد آمادگی در معلمان طراحی و در کلاس درس اجرا میشود. ک هنگامی که معلمان در این مهارت ها تخصص و توانایی کافی و لازم را داشته باشند، می توانند از دانش، مهارتها و تخصص خود در فرایند آموزش استفاده کرده و بدین ترتیب زمینه مساعدی را برای پیشرفت تحصیلی بیشتر دانش آموزان فراهم سازند. این مجموعه در قالب استانداردهای حرفه معلمی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری دارد. روش تحقیق مقاله از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان چالوس می باشند. حجم جامعه آماری و برحسب جدول کرجسی و مورگان، ۳۳۸ نفر از آنها به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده اند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه استانداردهای حرفه معلمی بود که در میان مشارکت کنندگان توزیع و پس از پاسخگویی ایشان جمع آوری و تجزیه و تحلیل شد ($K.S > 0.05$).

روش شناسی:

پژوهش حاضر، از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه آزمایش و کنترل بود. پژوهش حاضر، از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه آزمایش و کنترل بود.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری :

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان پایه پنجم مدارس ابتدایی شهرستان زاهدان در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ تشکیل می دهند.

روش نمونه گیری در این پژوهش از نوع در دسترس بود، به این صورت که از بین مدارس ابتدایی شهرستان زاهدان، یک مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شد؛ این مدرسه ۲ کلاس اول داشت که به صورت تصادفی به دو گروه ۲۰ نفری آزمایش و کنترل تقسیم گردیدند.



- روش انجام کار تحقیق

در پژوهش حاضر تعداد ۴۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، و انتصاب به یک گروه آزمایش (هر گروه ۲۰ نفره) و یک کنترل (۲۰ نفره) انجام شد. بنابراین تحقیق از دو گروه ۲۰ نفری تشکیل شده که یک گروه به عنوان گروه آزمایش و تحت آموزش برای کنترل استرس و اضطراب دانش‌آموزان توسط والدین قرار گرفت و یک گروه دیگر به عنوان گروه کنترل تحت هیچ آزمایشی قرار نگرفت. سپس بر روی گروه‌های آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون پرسشنامه‌های کیفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی اجرا شد. با این هدف که آیا هوش موسیقایی بر کیفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) دانش‌آموزان دوره ابتدایی مدارس شهرستان زاهدان تاثیر دارد؟

دانش‌آموزان گروه آزمایش در ۴ جلسه و هر جلسه ۴۵ دقیقه، در معرض آموزش قرار گرفتند. با توجه به شرایط حال و بیماری کرونا پکیج آموزشی بصورت مجازی بروی آزمودنیها پیاده‌شده و همچنین پرسشنامه با استفاده از نرم افزار پرس آنلاین اجرا شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات:

- ۱- روش کتابخانه‌ای: روش کتابخانه‌ای که در این روش محقق به مطالعه ادبیات و سوابق پژوهشی پرداخته است.
- ۲- روش میدانی: در این پژوهش از پکیج آموزشی و پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد.

ابزار پژوهش:

۱- پکیج آموزشی هوش موسیقایی:

دانش‌آموزان گروه آزمایش در ۴ جلسه و هر جلسه ۴۵ دقیقه، به شرح جدول ذیل در معرض آموزش قرار گرفتند.

جلسات	رئوس محتوای جلسات
جلسه اول	آشنایی با تعاریف هوش موسیقایی و نمودهای این متغیرها
جلسه دوم	توضیح اجزاء اصلی هوش موسیقایی
جلسه سوم	تمرکز بر روی داستان‌های بیان شده مربوط به هوش موسیقایی
جلسه چهارم	مرور کلی، هوش موسیقایی، اختتام برنامه آموزشی و ارزیابی نهایی



۲- پرسشنامه کیفیت یادگیری:

در این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته کیفیت یادگیری دانش آموزان استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۱۰ سوال ۵ گزینه ای است و براساس طیف لیکرت درجه بندی شده است. در پژوهش حاضر روایی محتوایی و صوری پرسشنامه به وسیله اساتید و متخصصان تایید شد و همچنین با روش الفای کرونباخ اعتبار این پرسشنامه ۰/۹۴ بدست آمده است.

۳- پرسشنامه پیشرفت تحصیلی:

در این پژوهش برای سنجش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان از نمرات ریاضی یک سال قبل دانش آموزان استفاده شد.

محدوده و محدودیت ها

با توجه به شرایط کرونا، متأسفانه امکان مصاحبه و آموزش به صورت حضوری به دانش آموزان وجود ندارد. و همینطور سنجش هوش موسیقایی دانش آموزان به دلیل شرایط کرونا سخت خواهد بود.

یافته ها

سوال اول: آیا آموزش هوش موسیقایی بر کیفیت یادگیری دانش آموزان دوره ابتدایی مدارس شهرستان زاهدان تاثیر دارد؟

****شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش**

جدول ۴-۱: شاخص های توصیفی کیفیت یادگیری به تفکیک دو گروه

متغیر	گروه	تعداد	پیش آزمون		پس آزمون	
			میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
دانش آموزان	آزمایش	۲۰	۱۷۸/۰۴	۲۳/۲۰	۱۹۳/۴۲	۱۶/۳۴
یادگیری	کنترل	۲۰	۱۸۵/۶۰	۲۰/۷۹	۱۹۳/۱۲۰	۲۶/۰۷

نتایج جدول ۴-۱ نشان داد که میانگین مولفه کیفیت یادگیری در گروه آزمایش در مرحله پس آزمون در قیاس با گروه کنترل افزایش یافته است.

**مفروضه تجانس واریانس ها

جدول ۴-۲: نتایج آزمون لوین برای همگنی واریانسهای متغیرهای اصلی پژوهش



سطح معناداری	درجات آزادی دوم	درجات آزادی	F	متغیرها	گروه ها
۰/۳۶	۱۹	۱	۰/۸۱	پیش آزمون* کیفیت یادگیری	دانش آموزان

همانگونه که در جدول ۴-۲ مشاهده می شود، میزان معناداری آزمون لوین در متغیر کیفیت یادگیری در هر دو گروه از سطح ۰/۰۵ بزرگتر می باشد. در نتیجه فرض همگنی واریانسها تایید می شود و فرضیه صفر برای تساوی واریانس های نمره دو گروه در متغیر کیفیت یادگیری تأیید می گردد.

جدول ۴-۳: نتایج تحلیل کوواریانس برای مقایسه نمرات پس آزمون کیفیت یادگیری

گروه ها	زیر مقیاسها	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذوراتا	توان آزمون
دانش آموزان	پیش آزمون	۲۲۰۷/۷۸	۱	۲۲۰۷/۷۸	۴/۷۲	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۵۷
	پس آزمون	۲۳۹۴/۵۸	۱	۲۳۹۴/۵۸	۵/۱۱	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۶۱
	خطا	۴۵۳۷۶/۱۳	۱۹	۴۶۷/۷۹				

نتایج جدول ۴-۳ نشان دهنده تفاوت معنی دار بین میانگین نمرات پیش آزمون $[F(1,97) = 4.72, P \leq 0.03, \eta^2 = 0.04]$ و پس آزمون $[F(1,97) = 5.11, P \leq 0.02, \eta^2 = 0.05]$ در متغیر کیفیت یادگیری می باشد. بنابراین میانگین نمرات پس آزمون گروه آزمایش به طور معنی داری در متغیر کیفیت یادگیری بیشتر از گروه کنترل است. با در نظر گرفتن مجذوراتا در مرحله پس آزمون می توان گفت ۰/۰۵ این تغییرات ناشی از اثر متغیر مستقل (هوش موسیقایی) است.

سوال دوم: آیا آموزش هوش موسیقایی بر پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) دانش آموزان دوره ابتدایی مدارس شهرستان زاهدان تاثیر دارد؟
*شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	گروه	تعداد	پیش آزمون	پس آزمون
			میانگین	میانگین
			انحراف معیار	انحراف معیار



۸/۹۲	۸۸/۲۰	۹/۱۰	۸۰/۲۸	۲۰	آزمایش	پیشرفت	دانش آموزان
۹/۶۹	۸۳/۰۶	۹/۳۹	۸۳/۰۶	۲۰	کنترل	تحصیلی	

جدول ۴-۴: شاخص های توصیفی پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) به تفکیک دو گروه

نتایج جدول ۴-۴ نشان داد که میانگین مولفه پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) در گروه آزمایش در مرحله پس آزمون در قیاس با گروه کنترل افزایش یافته است.

**مفروضه تجانس واریانس ها

جدول ۴-۱۵: نتایج آزمون لوین برای همگنی واریانسهای متغیرهای اصلی پژوهش

سطح معناداری	درجات آزادی دوم	درجات آزادی	F	متغیرها	گروه ها
۰/۴۶	۱۹	۱	۰/۵۵	پیش آزمون * پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی)	دانش آموزان

همانگونه که در جدول ۴-۵ مشاهده می شود، میزان معناداری آزمون لوین در متغیر پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) گروه از سطح ۰/۰۵ بزرگتر می باشد. در نتیجه فرض همگنی واریانسها تایید می شود و فرضیه صفر برای تساوی واریانس های نمره دو گروه در متغیر پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) تأیید می گردد.



جدول ۴-۶: نتایج تحلیل کوواریانس برای مقایسه نمرات پس آزمون پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی)

گروه ها	زیر مقیاسها	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذوراتا	توان آزمون
دانش آموزان	پیش آزمون	۲۹۸/۷۹	۱	۲۹۸/۷۹	۳/۵۲	۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۴۶
	پس آزمون	۷۸۴/۱۶	۱	۷۸۴/۱۶	۹/۲۶	۰/۰۰۳	۰/۰۸	۰/۸۵
	خطا	۸۲۱۲/۰۲	۱۹	۸۴/۶۶				

نتایج جدول ۴-۶ نشان دهنده تفاوت معنی دار بین میانگین نمرات پیش آزمون $[F(1,97) = 3.52, P \geq 0.06]$ و $\eta^2 = 0.03$ و پس آزمون $[F(1,97) = 9.26, P \leq 0.003, \eta^2 = 0.08]$ در متغیر پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) می باشد. بنابراین میانگین نمرات پس آزمون گروه آزمایش به طور معنی داری در متغیر پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) بیشتر از گروه کنترل است. با در نظر گرفتن مجذوراتا در مرحله پس آزمون می توان گفت ۰/۰۸ از این تغییرات ناشی از اثر متغیر مستقل (هوش موسیقایی) است.

بحث و نتیجه

همان طور که در جریان پژوهش مشاهده شد آموزش موسیقی به کودک را می توان به دو بخش تقسیم کرد یکی یادگیری تکنیکهای نوازندگی، خوانندگی و تئوری موسیقی و... و دیگری تعلیم تربیتی که از آن آموزشها حاصل می شود و بستگی به هدف ما دارد که چه تعریفی از موسیقی داشته باشیم. نقش مهم دوره کودکی در شکل گیری شخصیت و رفتار انسان آموزش و پرورش دوره ابتدایی را از اهمیت خاصی برخوردار می سازد. تحقیقات فراوان گویای این حقیقت است که شخصیت و راه و رسم زیستن یک انسان بالغ به میزان وسیعی در نخستین سال های زندگی وی شکل می گیرد، پس کیفیت و امکانات و چگونگی آموزش در دوره ابتدایی از اهمیت زیادی برخوردار است که آموزش موسیقی به شیوه ی صحیح و علمی می تواند فرایند آموزش را در دوره ابتدایی را تحت تاثیر قرار دهد همانطور که گفته شد آموزش موسیقی می تواند تاثیرات زیادی در جریان آموزش داشته باشد که آن تاثیرات هم می تواند جسمانی باشد مانند هماهنگی دست و چشم و پا هم می تواند روانی اجتماعی باشد مانند آشنایی با کار گروهی و محدودیت های گروهی به طور اگر آموزش موسیقی در دوران ابتدایی به صورت علمی و توسط متخصصان آموزش موسیقی، آموزش داده شود می تواند تاثیرات بسیار مثبتی در خود کودک و پیشرفت های



تحصیلی او در حال و آینده داشته باشد (بارخدا، حسن پور، قاسمی، ۱۳۹۴). نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که متغیر هوش موسیقایی باعث شده که کیفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی (نمره ریاضی) دانش آموزان دوره ابتدایی مدارس شهرستان زاهدان در گروه آزمایش در مرحله پس آزمون در قیاس با گروه کنترل افزایش پیدا کند.

پیشنهاد ها

- ۱- پیشنهاد می شود که این تحقیق در مورد همه رده های سنی مدرسه و دانشگاه و بزرگسالان انجام گردد.
- ۲- پیشنهاد می شود که سنجش هوش موسیقایی دانش آموزان توسط معلمان و مدیران مدرسه سنجیده شود.
- ۳- پیشنهاد می شود هوش موسیقایی بر دانش آموزان کنکوری و استفاده از آموزش موسیقی برای کم کردن استرس آنها در مورد کنکور استفاده شود. و در این موضوع تحقیق شود.



منابع

منابع فارسی

آرمسترانگ، ت. (۲۰۰۱)، **هوش های چند گانه در کلاس های درس**، ترجمه مهشید صفری، (۱۳۸۴)، تهران، انتشارات مدرسه

بارخدا، سید جمال، حسن پور، علی، قاسمی، سجاد، (۱۳۹۴)، **بررسی تاثیر موسیقی بر رشد و پیشرفت فراگیران مقطع ابتدایی**، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.

تقی پور، حسینعلی، کشاورز لشکناری، روح اله، یوسف رشیدی، علی اصغر، (۲۰۱۷)، **دانش محتوایی روشهای معلمی و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان**، تحقیقات جدید ایران و جهان در زمینه مدیریت، اقتصاد، حسابداری و بشریت، ISC، مرکز کنفرانس های بین المللی دانشگاه شیراز

جباریان گرو، مرتضی، خسروی، معصومه، محمدی فر، محمد علی، (۱۳۹۵)، **اثر بخشی بازخورد نوشتاری و شفاهی معلم بر یادگیری خود تنظیمی و پیشرفت تحصیلی در درس ریاضی**، پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال ۱۳، دوره دوم، شماره ۳۲، پیاپی ۴۹، تابستان، ص ۱۳۸-۱۵۱

حسن زاده دیزجی، اکرم، حسن زاده دیزجی، لایلا، (۱۳۹۷)، **بررسی عوامل موثر بر کیفیت یادگیری دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی در مدارس هوشمند**، ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین
زادمحمدی، علی. (۱۳۷۴)، **مقدمه ای بر آموزش موسیقی کودکان**. تهران: کارگاه نشر.

سهرابی، ازاده، (۱۳۹۹)، **چالشهای یادگیری دانش آموزان در روزگار کرونا و سلطه تکنولوژی**، سایت مهر، <https://www.mehrnews.com/news>، ۴ بهمن

سیف، علی اکبر (۱۳۸۷)، **روانشناسی پرورشی نوین**. تهران: دوران

شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۶۴)، **فرهنگ علوم و فناوری**. تهران، امیر کبیر.

شعبانی، حسن. (۱۳۹۱)، **مهارت های آموزشی: روش ها و فنون تدریس**. تهران: انتشارات سمت.

شفیعی، گیتی، جاهد، حسینعلی، (۱۳۹۶)، **هوش موسیقایی و یادگیری، سومین کنفرانس دانش و فناوری علوم تربیتی**، مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران.



- صادقی، فرشته؛ گشانی، احمد؛ جعفری، زهرا و جالی، شهره (۱۳۹۳)، بررسی یادگیری حافظه شنوایی کلامی در - کودکان ۱۱-۱ ساله فارسی زبان و تعیین مقادیر هنجار در جمعیت مورد مطالعه. دانشگاه علوم پزشکی تهران. دانشکده توانبخشی. مجله علمی پژوهشی توانبخشی نوین. دوره ۸، شماره ۳: ۵۴-۶۱.
- صیدانلو، توران، باقر پور، معصومه، (۱۳۹۶)، **تأثیر کاربرد موسیقی در بهبود عملکرد خواندن و نوشتن دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری**، مجله ی ناتوانی های یادگیری، زمستان، دوره ۷، شماره ۲، ۴۰-۵۴
- عباسی، محمد، مالمیر، آمنه، صالحی، سید یوسف، (۱۳۹۷)، **تعیین رابطه هوش موسیقایی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ی سوم مدارس ابتدایی منطقه کهریزک**، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، سال دهم، شماره دوم، زمستان و بهار ۱۳۹۷-۱۳۹۸
- فریدونی، لیلا، پوروند، الهه، (۱۳۹۶)، **تأثیر موسیقی درمانی در کاهش و درمان آثار تحصیلی و رفتار اختلالات یادگیری**، سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی جامعه شناسی علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، سالن همایش های فرهنگیان شیراز، مرداد (اگوست ۲۰۱۷)
- گراث، مارات، گری، (۱۹۹۷)، **راهنمای سنجش روانی**، ترجمه حسن پاشا شریفی و محمد رضا نیکخوا، (۱۳۸۴)، تهران، انتشارات سخن
- ل.ف. استروسکایا. (۱۳۷۲)، **تأثیر تعلیم و تربیت در شخصیت کودک**، مترجم: نالی اصغر زاده، تهران: نشر دنیای نو.
- مرادی، شیوا. (۱۳۹۱)، **پیشرفت تحصیلی دانش آموزان**. آدرس اینترنتی : www.eloquent.persianblog.ir تاریخ دسترسی: ۲۴ آذر ۱۳۹۳
- سالم، سودابه، (۱۳۹۸)، **موسیقی کودک آموزشی خاص برای دورانی خاص**، گفتگو با سودابه سالم، مجله هنر موسیقی.

منابع انگلیسی

- Amy Fancourt, Francesco Caprini, Peter Harrison. (2015), Investigating the importance of self-theories of intelligence and musicality for students' academic and musical achievement Department of Psychology, Goldsmiths, University of London, London, UK, 2 Head of Psychology, Brain Can Do, Queen Anne's School, Reading, UK.
- Kareshki, h. (2007), role of motivational patterns and environment preceptions in self-regulated learning in third grade high school students in Tehran. Educational psychology doctorate dissertation. Tehran university. (Persian).



Latifian & khosbakht, (2012). Survey power of prediction quality of teaching of teachers and classroom atmosphere for learning math mediated self-regulation strategies and motivational beliefs of fifth grade elementary students educational sciences of ahvaz university , 2 (6) , 107-126 (persian).

Nicol , d .thomson , a , & breslin . c. (2014). Rethinking feedback practice in higher education:model and seven principles of good feed back practice. Studies in higher education. 31(2), 199-218

Osamah (Mohammad Ameen) Ahmad Aldalalah, (2010), Music Intelligence and Music Theory Learning: A Cognitive Load Theory Viewpoint, School of Educational Studies, Universiti Sains Malaysia

Pintrich , p. r. & schunk, d, h . (2007). Motivation in education: theory , research , and application . shahraray , m .(2010). Tehran :elmpress (persian)

Shute, v. j . (2008). Focus on formative feedback. Review of educational research, 78(1),153-189.

https://confme.com/class/FileUP/default_dropzone.png Stephen Chappuis and Richard J. Stiggins ,(2002), Educational Leadership , September